

وقایع افغانستان از 2001 تا 2014 میلادی

(بخش 37)

حمایت مالی و لوژستیکی پاکستان از گروه طالبان

از آنجا که پاکستانی ها با اساس سیاست استراتژیک خویش در قبال افغانستان که عبارت از بدست آوردن " عمق استراتژیک " علیه هند، حل قضیه خط "دیورند" و دسترسی به منابع یورانیوم افغانستان میباشد، موجودیت یک افغانستان در مانده و ضعیف با حکومتی دست نشانده و ناتوان در بناگوش شان را مدنظر دارند. بنابراین، هر کسی که در رأس امور ملکی و یا نظامی آن کشور تکیه زده باشد، صرف نظر از اینکه از کدام قوم یا ملیت است و یا مربوط به کدام حزب یا تنظیم پاکستانی است، باید همان سیاست تعیین شده و پذیرفته شده استراتژیک در قبال افغانستان را به پیش برد، بهمین اساس، والی ایالت سرحد پاکستان که از جمله پشتون های قبیله " ورکزی " هم هست، صراحتاً بیان داشت که : " ... گروه طالبان برای آزادی افغانستان می جنگند و سر خورده گی پشتونها، تقویت کننده این جنگها میباشد. "

این اظهارات، آنهم از زبان والی سرحد پاکستان، بدون شک ارتباط تنگاتنگ، اتحاد نامقدس و ائتلاف آشکار جنگی جانب پاکستان با تروریسم خانه خرابکن علیه افغانستان را از یکطرف و تتمیع و تحلیل پشتونهای ساکن آن کشور در مکانیسم دولتی پاکستان را از سوی دیگر به اثبات می رساند. هر چند دست داشتن حکومت مداران پاکستان در ایجاد، پرورش، تجهیز و تسلیح گروه طالبان، حمایت همه جانبه از بن لادن و اعضای القاعده و تداوم جنگ و خونریزی دراز مدت در افغانستان کاملاً مشهود و میرهن است، ولی باز هم برای آنکه انکار کردن های دایمی،

کلیشه‌ی و دیپلماتیکِ مقام‌های آن کشور در این مورد پاسخ یافته باشد، اینک بخشی از اسناد و گزارش‌های منابع مختلف خارجی را در اینجا نقل می‌کنیم:

سایت اینترنتی "ویکی‌لیکس" در سال 2010 میلادی افشا نمود که شبکه استخبارات نظامی پاکستان، به تعداد یک‌هزار عراده موترسایکل را در اختیار گروه تروریستی حقانی قرار داده است. (این، همان موترسایکل‌های بود که در سال‌های تداوم جهاد علیه قشون روسی، از سوی دولت جاپان برای مجاهدین افغان مساعدت شده بود، ولی مقام‌های پاکستانی آن‌همه وسایل را همانند سایر مواد و امکانات تهیه شده از سوی کشورهای جهان، بصورت غدارانه ای در نخیره خانه‌های ارتش نگه داشتند.)

محمودخان اچکزی رهبر حزب پشتون خواه ملی عوامی پارتی و رییس حرکت مظلومان پاکستان در ماه دسامبر سال 2006 م، حکومت و ادارات استخبارات پاکستان را بخاطر

دخالت‌های شان در امور داخلی افغانستان با صراحت مورد انتقاد قرارداد. محمودخان اچکزی در مراسم سومین سالگرد مرگ پدرش (خان عبدالصمدخان) گفت: "حکومت پاکستان و دستگاه استخباراتی آن برای اخلاص نظم و ایجاد مشکلات در افغانستان کار میکنند ... پاکستان میخواهد افغانستان را مستعمره بسازد."

در عین حال، وبسایت "انٹی وار" بتاریخ سوم ماه جون 2014م مطلبی را باساس گزارش وزارت دارایی پاکستان و بقلم خبرنگار خویش بنام سردار سکندر شاهین بچاپ رسا نید مبنی بر ادعا‌های جانب دولت آن کشور در بخش مخارج در جنگ علیه تروریسم. در گزارش وزارت دارایی پاکستان آمده بود که: "... آن کشور ظرف سیزده سال مبارزه علیه تروریسم، بگونه مستقیم و یا غیرمستقیم وجه 102.51 میلیارد دالر معادل 8264.4 میلیارد روپیه و تنها در دو سال اخیر (2013 و 2014) مبلغ 24.86 میلیارد دالر بمصرف رسا نیده است ..."

در گزارش بالا همچنان آمده بود که: "... زد و خورد و نا امنی در افغانستان که ناشی از حمله امریکا پس از یازدهم سپتمبر است، پیامد نا گواری نه تنها از ناحیه هجوم پناهنده گان افغان بخاک پاکستان

داشت، بلکه موجب حملات تروریستی زیادی در داخل پاکستان گردید... افزایش تخطی های ناشی از افراطگرایی در افغانستان نه تنها ضربات سنگینی بر اقتصاد پاکستان وارد آورد، بلکه این کشور شاهد حملات وسیع تروریستی علیه شهروندان خویش نیز بوده است..."

این ادعای پاکستانیها، از یکطرف برمیگردد به اصل ماهیت سیاسی حکومت آن کشور و فساد عمیق اداری که در نهاد های مختلف آن حاکم بوده و از چندین سال بدینسو اکثریت مردم پاکستان را سخت نگران ساخته است و از سوی دیگر، جنبه تبلیغاتی و کاذبانه ای را در خود نهفته داشت، بدین معنا که دولتمردان پاکستان با انتشار این گزارش، میخواستند به جهانیان چنین وانمود کنند که گویا ظرف سیزده سال گذشته، موازی با سایر کشورها، مشغول مبارزه جدی و پُرخرج علیه تروریسم بوده اند و همچنان به ایالات متحده امریکا تفهیم نمایند که چون خرابی وضع اقتصادی پاکستان ناشی از مبارزه علیه تروریسم بوده، بنابراین، بایستی دهن خریطه سخاوتهای مالی شان را گشاد تر از قبل سازند. در عین حال، سعی شان این بود تا ماهرانه و با شیوه های خاص خود شان، افغانستان را مسوول خرابی وضع مالی، حملات تروریستی و قتل و کشتار شهروندان آن کشور معرفی کنند. البته ادعای کاذبانه جانب پاکستان مبنی بر مخارج یکصد و دو میلیارد دلاری را هیچ عقل سلیم باور نخواهد نمود.

محمد حنیف (عبدالحق) سخنگوی گروه طالبان که در ماه جنوری سال 2007 میلادی از طرف نیروهای امنیتی افغانستان در شرق کشور دستگیر گردید، موضوعات مهمی را در ارتباط محل اختفای ملا عمر و دخالت های حکومت پاکستان در امور افغانستان افشا نمود. مقام های امنیتی افغانستان در آن موقع، یک سند ویدیویی حاوی صحبت های محمد حنیف را نیز در اختیار رسانه های جمعی قرار دادند. این شخص که نام اصلی اش (عبدالحق) است، اظهار داشت که " ملا عمر رهبر گروه طالبان در شهر کویته پاکستان بسر میبرد و از حمایت گسترده اداره استخبارات این کشور بر خوردار است. " وی همچنان اقرار کرد که " بمگذاریها و حملات انتحاری که در افغانستان انجام داده میشود، توسط یک جنرال باز نشسته پاکستان {غالباً جنرال حمید گل} سازماندهی میشود. "

محمد حنیف یا عبدالحق، همچنان گفت که " تعداد زیادی از افراد طالبان در مدرسه یی بنام هاشمیه در منطقه باجور پاکستان مورد تربیت و آموزشهای تروریستی قرار دارند. "

چنانکه طی فصل قبلی این اثر توضیح داده شد، تا همین شب و روزیکه این سطور رقم زده میشدند، ده ها عنصر پاکستانی یا قبل از ارتکاب اعمال تروریستی و یا بعد از آن توسط مؤظفین امنیتی افغانستان در کابل و نقاط مختلف کشور دستگیر شده اند که فلم های مستند مربوط به اعترافات آنان مبنی بر عضویت شان در شبکه " حقانی " در وزیرستان شمالی، آی.اس.آی و سایر منابع تروریستی در خاک پاکستان، در معرض دید و قضاوت عامه گذاشته شده است. برخی از این تروریستهای دستگیر شده اعتراف کرده اند که افسران شبکه اطلاعاتی ارتش پاکستان (آی.اس.آی) در بخش جلب و جذب و آموزش آنان نقش داشته اند.

"ریچارد هولبروک" نماینده رییس جمهور امریکا در امور افغانستان و پاکستان (پس از اشغال افغانستان توسط نیروهای امریکایی)، در سال 2009 میلادی رسماً اعلام نمود که: " شبکه حقانی وابسته به القاعده از مخفیگاه های امن خود در پاکستان، پیوسته حملاتی را علیه نیرو های ائتلاف و امریکایی ها در افغانستان انجام میدهد. . . دستگاه های اطلاعاتی پاکستان با شورای کویته در ارتباط است و حتی نماینده ای نیز در این شورا از اردوی پاکستان حضور دارد. "

"لیزالو بیس" یک محقق مؤسسه تحقیقاتی "هریتیج" ایالات متحده امریکا در ماه سنبله سال 1390 خورشیدی رسماً اظهار نمود که " واشنگتن باید از پاکستان بخواهد مسولیت همه فعالیتهای تروریستی را در خاک این کشور بپذیرد. "

این محقق امریکایی، اضافه نموده که: " امریکا باید از پذیرش ادعا های پاکستان در باره عم توانایی اش در نابودی گروه هایی مانند لشکر طیبیه و حرکت جهاد اسلامی خودداری کند. . . امریکا باید از ایجاد زمینه ای برای بهانه تراشی پاکستانی ها در خصوص پرهیز این کشور از بکار بستن رویکردی مؤثر در مقابله با تروریستها خود داری کرده در مقابل، از اسلام آباد بخواهد مسولیت فعالیت این گروه های تروریستی در خاک خود را بپذیرد... "

در نیمه ماه جولای سال 2007 میلادی، پسر بچه چهارده ساله بی بنام " رفیق الله " که با مواد انفجاری کافی، از خاک پاکستان غرض انجام دادن عمل انتحاری علیه والی خوست به افغانستان فرستاده شده بود، خودش را به مقام های امنیتی تسلیم داد و جریان را با جزئیات آن برای پرسشگران امنیتی و مطبوعات کشور توضیح نمود. " رفیق الله " افشا نمود که در یکی در مدارس پاکستان که او از آنجا فرستاده شده، به تعداد دوصد تن از نوجوانان دیگر به منظور عمل انتحاری آموزش دیده و آماده عمل هستند.

جالب این است که حکومت مداران پاکستانی همیشه کوشیده اند اقدامات خصمانه علیه افغانستان و تروریست پروریهای دوامدار شان را منکر شده در برابر فشارهای بین المللی، اظهارات عجیب و غریبی بعمل آرند. مثلاً، " یوسف رضا گیلانی " صدراعظم آن کشور، در ماه جولای سال 2009 میلادی، آنگاه که مسافرتی به اروپا داشت، ضمن ملاقات با " خاویر سولانا " مسوول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، از وی تقاضا نمود تا " با ارسال تجهیزات و آموزش نیروهای امنیتی پاکستان در مبارزه با طالبان کمک کند. " جالبتر از همه اینکه در " نشست دوستان پاکستان " در اروپا، کشورهای شرکت کننده بصورت سؤال برانگیزی اعلام کردند که پنج ملیارد و دوصد و هشتاد میلیون دالر به پاکستان کمک خواهند کرد.

منابع معتبره کرات اظهار کرده اند که شورای کویته یا شورای رهبری گروه طالبان، ارتباط تنگاتنگی با شبکه القاعده دارد. اعضای این شورا هم در درون خود و هم با اعضای القاعده، علاوه از پیوند ایدئولوژیک، پیوند خانواده گی مستحکمی نیز برقرار کرده اند، به ویژه، پیوند سببی ملا عمر با بن لادن در تحکیم این همبستگی مهم بوده است. " دیوید کامرون " وزیر امور خارجه انگلستان، علی رغم همه گونه همطرازی های حکومتش با پاکستان، در یکی از مسافرتهايش به هندوستان در سال 2011 م، بجواب سؤالی در مورد نا آرامی ها در جنوب آسیا و امنیت منطقه گفت : " به پاکستان، نسبت تبدیل شدنش به پناهگاهی

برای گروه های شبه نظامی، یا حمایت از آنها برای حمله به اهدافی در هند یا افغانستان، هشدار میدهم... ما به هیچ وجه نمیتوانیم این موضوع را تحمل کنیم که این پاکستان دو رو به نظر برسد و بتواند به صدور تروریسم به هند و به افغانستان یا نقاط دیگر جهان کمک کند. " (137)

پایگاه مشهور انترنتی "ویکیلیکس"، ضمن نشر و افشای اسناد محرمانه مربوط به جنگ امریکا در افغانستان، تصریح نمود که: "دستگاه اطلاعات پاکستان {آی.اس.آی} در چندین عملیات نظامی که در سالهای اخیر، توسط طالبان علیه کابل انجام گرفته، دخالت داشته است. این گزارش، دوره ی زمانی 2004 تا 2009 میلادی را در برمیگیرد. " ویکی لیکس همچنان افشا نمود که " آی اس آی در عملیات ترور حامد کرزی رییس جمهور افغانستان در سال 2008، عملیات تروریستی علیه سفارت هند در کابل و حمله به هوا پیمای ناتو دخالت داشته است. . . . دستگاه استخباراتی پاکستان تلاش بخرچ داده تا با همکاری طالبان، مشروبات الکلی مسموم شده به نیرو های بین المللی و افغان بدهد و نیز تلاش کرده تا کودکان افغان را برای انجام عملیات انتحاری علیه نیرو های ناتو و امریکایی تشویق کند. (138)

استراتژی کین توزانه حکومت پاکستان علیه افغانستان به حدی عمیق و جدی بکار گرفته شده و میشود که حامد کرزی، نه تنها ظرف سیزده سال زعامت خویش، بیست مرتبه به پاکستان سفر رسمی انجام داد تا مگر با رهبران ملکی و نظامی بی مروت آن کشور، بخاطر تأمین صلح در افغانستان به یک نتیجه منطقی و ضروری نایل آید، بلکه راه ها و تلاش های دیگری را نیز به آزمون گرفت مانند تدویر جرگه بزرگ منطقه یی، مذاکرات سه جانبه به همکاری امریکا میان نظامیان دوکشور، گفت و گو میان سازمان های استخباراتی افغانستان و پاکستان، میانجیگری کشور های سومی مانند امریکا و بریتانیا، دیپلماسی و تماسگیری سه جانبه میان چین- ترکیه - ایران، ترکیه - افغانستان - پاکستان، امریکا- افغانستان - پاکستان و ادامه کنفرانس های سالیانه همکاریهای منطقه یی و امثالهم که هیچ یک از این تلاشها و آزمون ها مثمر ثمر نبود.

نیات منفی، خصومت ورزی با ملت افغانستان، آموزش تروریستها و فرستادن آنها به قلمروکشور و حمایت های مخفی و علنی مقام های پاکستانی در سالهای پسین تا بدان حد رسوا آمیز بود که حتا خبرنگاران، ژورنالیستان، رهبران برخی از احزاب سیاسی و شخصیت های روشنفکر پاکستان، نه تنها وقتاً فوقتاً از اعمال و سیاست های نظامیان و حکومت مداران آن کشور در قبال افغانستان، بگونه علنی و آشکار انتقاد بعمل می آوردند، بلکه اسناد و شواهد مؤثق مبنی بر دخالت های آنان در امور هستی مردم افغانستان و پشتیبانی جدی آنها از گروه طالبان نیز بصورت رسمی و علنی ارائه مینمودند. همچنان، بخشهایی از تحلیلگران، رسانه ها و حلقات و اقعیتهای امریکایی نیز از افشای مقام های پاکستانی در جهت ایفای نقش تروریستی و مخرب آنها علیه هستی و امنیت افغانستان دریغ نمیکردند. مثلاً یکی از تحلیلگران شهرت یافته امریکایی و همکار همیشه گی " و اشنگتن پُست"، حقایق را افشا نمود که وبسایت " پیام روز" به تاریخ هفدهم ماه میزان 1394 خورشیدی آنرا چنین به نشر رسانید: " تازمانیکه پاکستان مراکز ترورستان را در خاکش از بین نبرد و از حمایت و تمویل آنها دست نکشد، امریکا نمیتواند صلح را در افغانستان تأمین کند. "

"پیام روز" از قول ذکر می افزاید که : " چرادر چهارده سال گذشته تلاش های امریکا در افغانستان نا تمام باقی مانده است؟ { زیرا } ملا اختر محمد منصور رهبر جدید طالبان بیشتر در شهر کویت می باشد، جایکه رهبران طالب زیاد تر در آنجا بود و باش دارند، ملامحمد عمر رهبر پیشین طالبان نیز در شهر کراچی زنده گی میکرد و این هم از کسی پنهان نیست که اسامه بن لادن رهبر شبکه القاده نیز سال ها ی سال در شهر ابیت آباد بود و این هرسه شهر های پاکستان است ... مشکلات افغانستان بدون درک حقایق که جنگ در این کشور از سوی یک اردو نیرومند کشور همسایه تمویل، رهبری و برنامه ریزی میشود، حل شده نمیتواند..."

"پیام روز" باز هم از قول آقای ذکر می نویسد که : " تا زمانیکه جلو این مشکلات گرفته نشود، طالبان سرکوب شده نمیتوانند. جنگ در برابر شورشیان تا زمانی کامیاب شده نمیتواند که آنها پایگاه داشته باشند... پاکستان این مهارت را دارد که عملاً از دشمنان امریکا حمایت کند و در ظاهر، خود را

(ادامه دارد)

حامی امریکا نشان دهد..."